

نماز؛ تعالی فردی و اجتماعی در پرتو نگاه قرآن و عرفان

سید جواد هاشمی راد

چکیده:

این نوشته پرتوی است از در مصادیق تعالی در نماز، با جرعه نوشی از (شراب طهوری) که راه نیل به آن فاسجدله (انسان/۲۶) و با سیری در اشعار و بهره ای از نورانیت آیات و روایات، سراغ جلوه هایی از تعالی فردی و اجتماعی در نماز را گرفته، با مختصر پرداختی به عنصر زکات و جوانب طراوت آفرین آن و نیم نگاهی به فواید بی کرانه ی اقیانوس موج نماز جماعت برای برخورداری از ظرفیتهای مقدس و متعالی آن را. تعالی در نماز بلند پایگی است، بالا رفتن و اوج گرفتن است اما نه هر بالائی، بلکه تقرب و نزدیک شدن به خداست. اولین واجب در نماز که (نیت) یعنی تعیین هسته ی مرکزی عمل است، با کلمه مبارکه (قربیه الی الله) زینت می یابد. قرب، نی بالانه پستی جستن است؛ قرب حق از حبس هستی رستن است (مثنوی مولوی). پس در همان قدم اول، مقصد مشخص است، همانطور که در آوای ملکوتی اذان می شویم، (آمد ندا از آسمان جان را که بازآ، الصلاه) دعوتی جانانه با نغمه ای عرشی که: (خیزید عاشقان که سوی آسمان رویم) (کلیات شمس). حضرت امام خمینی (ره) در استحباب افزودن ۶ تکبیر بر تکبیره الاحرام در تحریر الوسیله می فرماید: (پس بگوید "وجهت وجهی للذی فطر السموات (۷۹/انعام)" پس از آن قرائت را شروع کند) یعنی توجه محض به خالق آسمانها. چه حقیقت دل انگیز و چه معنویت روح نوازی از تعالی در گام آغازین معراج مومن موج می زند. رویم به خداست همان بلند بالائی که رب بزرگ جهانها با همه جلال و عظمتش، و رب من است، ربی الاعلی؛ و با این تکبیر در لحظه ی آغاز محرم میشوی و به حریم حرم راه می یابی بالا میروی، نزدیک میشوی و متصل می گردی بسان قطره ای که به اقیانوس می پیوندد.

واژگان کلیدی: نماز، تعالی فردی، تعالی اجتماعی، قرآن، عرفان.

وتوکل علی العزیز الرحیم الذی یریک حین تقوم (شعر/۲۱۸)

الحمد لله والسلام علیک یا رسول الله اشهدانک قد بلغت الرساله واقمت الصلاه وسلام بر اهل بیت مطهرت.

درود بر توای بقیه الله درود بر تو هنگامی که نماز می‌گزاری رکوع و سجود می‌کنی (زیارت ال یس)؛ و سلام بر تمامی چشم به راهانت در سراسر گیتی ای منجی بشریت سلام خدا بر پیکارگران و مبارزان نستوه همیشه در میدان و زمینه سازان طلوعه ی ظهورت و پرچمداران بزرگی بسان خمینی روح الله "قدس سره الشریف" و مجاهدان صادق جان بر کفی که فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر (احزاب/۲۳) و تحیات الهی بر شهید زنده ی این راه مقدس، رهبر حکیم و مقتدریکه باورمند و عده های حتمی نصرت حق است و بر امت ولایتمدار بزرگش که مصداق این آیه های مبارکند (انشاءالله):

"بدرستیکه مومنین کسانی اند که در هنگام یاد خدا دل هایشان لرزان است و هر گاه آیات او تلاوت گردد بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگارانیشان توکل نمایند، آنها که نماز را به پا می دارند و انفاق می کنند. مومن حقیقی آنانند... (انفال/۴-۲) قافله ی سعادت‌مندی که چه دورم از ایشان، خدایا، همراهشان گردانم. آمین

برخود فرض میدانم برای طراحان بزرگوار فراخوان دعای خیر مسئلت نمایم، انشاءالله که تمامی دست اندرکاران از برکات معنوی همایش ملی نماز به وفور بهره‌مند گردند. آمین

اجر این سطور تقدیم به روح بلند شهیدان والا مقام و برادر عزیزم شهید سید علی اصغر هاشمی (رضوان الله تعالی علیهم)

تعالی در نماز بلند پایگی است، بالا رفتن و اوج گرفتن است اما نه هر بالائی، بلکه تقرب و نزدیک شدن به خداست.

اولین واجب در نماز که (نیت) یعنی تعیین هسته ی مرکزی عمل است، با کلمه مبارکه (قربه الی الله) زینت می یابد.

قرب، نی بالانه پستی جستن است
است (مثنوی مولوی)

پس در همان قدم اول، مقصد مشخص است، همانطور که در آوای ملکوتی اذان فراخوان می شویم، (آمد ندا از آسمان جان را که بازآ، الصلاه) کلیات شمس تبریزی

دعوتی جانانه با نغمه ای عرشی که: (خیزید عاشقان که سوی آسمان رویم) کلیات شمس تبریزی

حضرت امام خمینی (قدس سره) در استحباب افزودن ۶ تکبیر بر تکبیره الاحرام در تحریر الوسیله می فرماید: (پس بگوید "وجهت وجهی للذی فطر السموات (۷۹/ انعام)" پس از آن قرائت را شروع کند) یعنی توجه محض به خالق آسمانها . چه حقیقت دل انگیز و چه معنویت روح نوازی از تعالی در گام آغازین معراج مومن موج می زند. رویم به خداست همان بلند بالائی که رب بزرگ جهانها با همه جلال و عظمتش ،و رب من است، ربی الاعلی؛ و با این تکبیر در لحظه ی آغاز محرم میشوی و به حریم حرم راه می یابی بالا میروی، نزدیک میشوی و متصل می گردی بسان قطره ای که به اقیانوس می پیوندد.

ما ز بالائیم و بالا میرویم ما ز دریائیم و دریا میرویم

قل تعالوا آیتست از جذب حق ما به جذبه حق تعالی می رویم

خواننده‌ای انا الیه راجعون تا بدانی که کجاها می رویم
اختر ما نیست در دور قمر لاجرم فوق ثریا می رویم
همت عالی است در سرهای ما از علی تا رب اعلا میرویم (مولوی)

همین بار یافتن به بارگاه خدای تعالی همان حقیقت تعالی است .

در طلب زهره رخ ماه رو صورت خود جانب بالا کنیم

(کلیات شمس تبریزی)

در این بالا رفتن هیچ درنگی روا مدار، بلکه بشتاب که بهترین کار است حی علی خیر العمل.

تیز دوم تیز دوم، تا به سواران برسم.

(کلیات شمس تبریزی)

خوشا به حال آنانکه "ایاک نعبد" را به هوای "فادخلی فی عبادی. (فجر/۲۹)" از دل بر زبان می‌رانند چرا که رهنمون به بهشت مخصوص است، و "ادخلی جنتی. (فجر/۳۰)" و با دیدگان اشکبار بر درگاه دوست تمنای وصال دارند؛

چشم من در ره این قافله ی یار بماند تا به گوش دلم آواز "درآ" باز آید

(حافظ)

صراط مستقیم راه این قافله است، راهی پسندیده (حج/۲۴) با ارزش و پر بها که در شبانه روز به صورت واجب تداوم هدایت در آن را از یار مسئلت می نمایند. مسیر رهروان نعمت مندی که در نامه ی خوش خبر آسمانی قرآن، بشارتها دریافته اند، از جمله: رفیقان خوبی اند (نساء/۶۹)

به جایگاهی سرشار از تعالی رساندیمش (مریم/۷۹) اینها نعمت یافتگان از خدا (مریم/۵۹) و سنگ تمام این نعمت آنجاست که خدا آن را از سوی خود و با اعلان رضایت خویش به همراه کامل شدن دین در سایه ولایت و امامت معصوم اعلام می فرماید (مائده/۳) در یک صحنه روح انگیز از آیه (۴۰ تا ۶۰ صافات) که گفتگوی مفصلی از بهشتیان را به وصف درآورده سرانجام دلنشین این نعمت عظیم را اینگونه به رخ می کشد " این کاری است کارستان (صافات/۶۱)"

جالب آنکه همین نعمت نجاتبخش را در دل هر وضو که مقدمه واجب نماز است نهاده (مائده/۶) هم از این روست که امام عارف راحلمان در شرح این شستشوی جان، سروده است:

با باده وضو گیر که در مذهب رندان در حضرت حق این عملت بارور افتاد

و چه هشدار بیدارگرانه ای است در این پیام قابل تأمل الهی که: "این نعمت را خدا هرگز تغییر نمی دهد مگر اینکه خودشان دگرگون کنند". (انفال/۵۳)"

احکام تعالی آفرین این نیایش پاک و این حلقه ی اتصال مخلوق به خالق که پایه ی دین است در بردارنده این نکته ی بسیار مهم و ضروری است که هر بالا رفتنی حتما پیمایش طریق تعالی نیست بلکه حتما باید در مسیر حق و برای رضای او و قطعاً به فرمان وی باشد یعنی طبق دستور شرع مقدس، و گرنه:

هر که هوا گرفت و رفت از پی آرزوی دل گوش مدار سعدیا برخیر سلامتیش

اینجاست که هم اهمیت فوق العاده این حکم الهی به حبیبش جلوه می نماید که: "اهل را به نماز امر کن و بر آن پافشاری نما (طه/۱۳۲)" و هم عظمت دعای خلیش در نجوای جانانه ی

او روشن میشود که: "خدای من، مرا بپا دارنده نماز بگردان و نسلم را، ای پروردگارا این دعا را تقبل فرما. (ابراهیم / ۴۰)"

و هم یادگار ماندگاری که خداوند در ملاقات موسی به او می سپارد تبلور می یابد که: "نماز را برای یاد من به پای دار. (طه / ۱۴)"

چه برداشت واقع بینانه ای ارائه داده است لسان الغیب از نماز در این سروده محکم که :

(هر کو، نه این ترانه سراید خطا کند) و در تمنای عاجزانه نیل به همین پرواز جان خنیاگری نموده:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

البته برای دریافت لطفش هم باید پروردگارت را هر دم در دل بیاد داشته باشی (عراف/ ۲۰۵) و هم او را فراوان یاد کنی. (آل عمران / ۴۱) تا به این نتیجه ی والای ثمر بخش دستیابی. چرا که فرموده است: بیادم باشید تا به یادتان باشم. (بقره/ ۱۵۲) آری به قول حافظ : (نگاهدارسررشته تا نگهدارد) و نوید میدهد که برای کسب این محصول مستانه ی تعالی بخش از پایداری و نماز کمک بخواهید. (بقره/ ۱۵۳) این بهترین یاریگری که اجابت خدا هم هست. (شوری/ ۳۸) و به فرموده خودش: من با شما هستم اگر نماز را به پا دارید. (مائده / ۱۲).

شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عجبا نماز مستان... (کلیات شمس).

به خاطر همین دریافت عارفانه از نمازست که شوریده شیراز حافظ دلنواز نغمه گر این ترانه گشته :

شور شراب عشق توآن نفسم رود ز سر کاین سر پرهوس شود خاک در سرای تو

برای اثبات این ادعای بزرگ و عزت بخش باید در تمامی طول مسیر همواره بر آن پای فشرد که همین استمرار و مداومت است که می رساند و برای همین دوام است که خدا هم می ستاید، مگر نمازگزارانیکه بر نمازشان پایدارند (معراج/۲۲ و ۲۳) (خوشا آنانکه که دائم در نمازند) (باباطاهر)

پس آن شکست ناپذیر مهربان را وکیل خود کن همویی که می بیند چون به نماز بر میخیزی (شعرا/۲۱۷ و ۲۱۸)

بال بگشا و صفیر از شجره طوبی زن حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی (حافظ)

به راستی خیلی حیف است که نماز بخوانی و مشمول این سرزنش الهی باشی که: وای بر نمازگزارانی که از عظمت‌های بیکرانه نماز غافلند. (ماعون / ۴) و حسرت‌بارترین و دردناکترین سرانجام در مورد آنها این است که خدا مجرم خطابشان فرموده. (مدثر/ ۴۱) و در پاسخ به پرسش اهل سعادت که چه چیز شما را به ناحیه بسیار سوزان جهنم کشاند؟ گویند از نمازگزاران نبودیم. (مدثر/ ۴۲ و ۴۳)

قلم را آنزبان نبود که سر عشق گوید باز و رای حد تقریر است شرح آرزومندی
همایی چون تو عالیقدر و حرص استخوان تا کی در بیغ آن سایه ی همت که برنا اهل افکندی
(حافظ)

نماز وضع شد تا سقوط فضیلت های اخلاقی، این اشرف مخلوقات را به اسفل السافلین نکشاند. برای درک این مبحث اساسی کافی است با تأمل بیشتری بنگریم به روبروی حضرت لوط با قومش در حضور فرشتگان الهی آنگاه که میفرماید: آبروریزی نکنید و مرا پیش مهمانانم شرمنده مگردانید، آیا در بین شما یک مرد پیدا نمی شود. (هود/ ۷۸) اینست حاصل تباہ کردن نماز و پیروی از شهوات. (مریم / ۵۹) آری تعالی نصیب تویی میشود که تمام برنامه

های زندگی ات بر محوری به رنگ نیکوی یار. (بقره/۱۳۸) میچرخد تویی که در مواجهه با همه چیز به فکر نمازی، نه من که در نماز به فکر همه چیزم.

(غیرخدا که هرگز در فکر آن نبودم هر چیز گم شد از من وقت نماز پیداست)

به فرموده حافظ:

چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس که درسرا چه ترکیب تخت بند تنم

باید از خودش طلبید، باید به قنوت ایستاد باید خواست، ادعونی استجب لکم. (غافر/۶)

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که درازست ره مقصد و من نوسفرم (حافظ)

قران بزرگ، در هر مرتبه ی امر به نماز ما را به بخشی از وجوه های تعالی، به ویژه از منظر اجتماعی متوجه میسازد که برای نمونه به چند موضوع از آنها نگاه مختصری خواهیم داشت:

الف - ایستادگی در برابر سختی ها و اقامه نماز. (حج/۳۵)

ب - سخن گفتن به نیکویی با همه مردم و اقامه نماز. (بقره/۸۳)

ج - صداقت در وعده و فرمان اهل خود به نماز. (مریم/۵۴ و ۵۵)

د- برپایی نماز و امر به نیکی ها و نهی از ناپسندیها. (لقمان/۱۷)

ه - اقامه نماز و انفاق پنهان و آشکارا (ابراهیم /۳۱)

و - نماز و قربانی: نمازگزار و قربانی کن. (کوثر/۲) (یعنی نمازت تو را به فکر چاره نیازمندان وا دارد).

ز - بشارت‌های حیرت‌انگیز و طراوت بخشی که برای وام‌دهنده قرض‌الحسنه آورده است، روح‌ایثاردار انسان برمی‌انگیزاند.

قرض نیکو نامگذاری زیبای الهی است " و خدا فرمود: من با شما هستم اگر نماز را بپا دارید و... بخدا قرض‌الحسنه دهید، قطعاً بدهی‌ایتان را خودم می‌پوشانم و خودم وارد بهشتان می‌نمایم". (مائده/۱۲)

آنها با تکرارهای تامل‌برانگیز و پرسش‌هایی که منتظر جواب است: کیست که بخدا قرض دهد قرض نیکو؟ (حدید/۱۱، بقره/۲۴۵) و تعیین‌اجری عظیم پیش‌خدا (مزمّل/۲۰). گویی مرد میدان می‌طلبد.

شایسته است بعنوان پیروان قرآن از خود بپرسیم که چه پاسخ در شأنی به این مطالبه‌ی خدا داده‌ایم؟ به این روش پسندیده و تحسین‌شده‌ی خدایی که "ولله خزائن السموات والارض) منافقون(۷)"

رسید موسم آن کز طرب چو نرگس مست نهد به پای قدح هر که شش درم دارد

به خط و خال گدایان مده خزینه دل به دست شاهوشی ده که محترم دارد

ز سر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان کدام محرم دل ره در این حرم دارد

(حافظ)

ح - پرداخت زکات که در قرآن بدنبال برپایی نماز، چندین و چند بار تکرارگشته، شده دعوتی برای نگاه دقیق به لوازم این طی طریق و نشانگر لزوم پیوند تعالی فردی و تعالی اجتماعی است. وجوب پرداخت زکات در موارد ۹ گانه (غلات اربع - انعام ثلاثه - نقدین) و مصارف بجای آن در جامعه و دقت در عظمت پاداش‌های جاودانه آن در قرآن عزیز ما را به تأمل در عجین بودن زکات با نماز و میدارد که این موضوع خود بحث مستوفایی را می‌طلبد.

دقت در نگرش عمیق حضرت فاطمه زهرا (س) به فلسفه زکات ما را متوجه گستره فراگیر این حکم الهی میسازد آنجا که می فرمایند: فرض الله الزکاه تزییفاً للرزق. (میزان الحکمه) برای دریافت همه جانبه ی این معنی که پرداخت زکات علاوه بر برکت الهی با چه فرایند دیگری موجب افزونی روزی می گردد، حتماً محبان این کتاب الهی باید باتدبر بیشتری بنگرد که چگونه خداوند در برابر تباه کنندگان کشت و زرع جبهه گرفته و خود شهادت داده است که آن فاسدان از سخت ترین دشمنانند. (بقره/۲۰۴)

مانند منافقین کوردل داخلی که مزارع مردم را به آتش می کشانند؛ و خداوند هشدارهای هراس آوری را به آنان اخطار فرموده: زودا که حاصل بخلشان روز رستاخیز طوق گردنشان شود. (بقره /۱۸۰)

و همچنین: روزی که سیم و زرهای اندوخته انفاق نکرده شان را در آتش دوزخ سرخ کند و با آن بر پیشانی و پهلو و پشت شان داغ نهند، این است آنچه برای خود می انباشتید، پس بچشید سزای زر اندوزی هایتان را. (توبه/۳۴ و ۳۵)

بخیل بوی خدا نشنود بیا حافظ

پیاله گیر و کرم ورز و الضمان علی

خزینه داری میراث خوارگان کفر است

به قول مطرب و ساقی به فتوی دف و نی

نوشته‌اند بر ایوان جنه الماوی

که هر که عشوه دنیی خرید وای به وی

در نقطه مقابل نابودکنندگان زمین، بندگان را به آباد سازی زمین وامیدارد. (هود/۶۱) و با تعبیر شرافتمندانه ی "آنچه دستانشان بعمل آورده". (یس/۳۵) آنانرا با کرامت تمام، به کشاورزی ترغیب و تشویق می فرماید.

احکام فقهی افتخارآمیز مزارعه، مساقات، و احیاءموات و ... در رساله های عملیه مراجع عظام (کسرالله امثالهم) پیامدهای سرافرازانه ی همین معارف زندگی آفرین کتاب مقدس خداست.

شایسته است از سویی دولت های اسلامی که مشمول "مکناهم فی الارض اند" (حج/ ۴۱) با برنامه ریزیهای جهادی و انقلابی و فراهم ساختن زیرساختها و ارائه تسهیلات واز دیگر سو میلیونها مسلمان در سراسر عالم به ملزومات این پیامهای سراسر توسعه بخشی که در پیوند دادن نماز با زکات تبلور یافته، همت ورزند و به ترویج و به تبلیغ کشت و زرع و صنایع دامداری بپردازند و زن و مرد و جوانان تحصیل کرده با این همه زمینه های بکر و دست نخورده و این فرامین قاطع و مبارک این کتاب عمل، موجبات استقلال و در نتیجه تعالی اجتماعی را فراهم آورند انشاءالله .

مگر کدامیک از ما همتمان به نوجوان ۱۱ ساله ای که تک و تنها از افغانستان برای کار به ایران آمده نمیرسد، کودکی که تلاش مجدانه اش مرا محو تماشایش کرد و پام را از رفتن باز داشت و مبهوت همت والایش شدم.

حافظ از پادشهان پایه به خدمت طلبند سعی نامبرده چه امید عطا میداری

ط - نماز جماعت، معجونی از فرد و جامعه و سرشار از قداست و برکت که گفتنی های بسیار و درد دل های فراوان در غربت آن است.

گوی توفیق و کرامت در میان افکنده اند کس بمیدان در نمی آید سواران را چه شد

حافظ.

در جامعه ای که مولایش مولود قبله و شهید محراب جماعت است و جلوه ناب عاشورایش، نماز عاشقانه جماعت امام حسین در صحرای تسکیده کربلا در زیررگبار تیر و نیزه،

به خاک بود جنبیت سرت جدا کردند نماز عشق تو در سجده شد تمام

چگونه میشود به نوای روح بخشی که از ماذنه ها برای شتاب به سوی نماز در فضا طنین افکن میشود، واکنش شایسته ای از خود بروز ندهد. ببینید که در سوره شریفه مرسلات پس از آن

سوگند های محکم پیاپی و تکرار ده باره ی عتاب تند (ویل للمکذبین) و تبیین سرانجام شوم تکذیبگران در اواخر سوره می فرماید:

و آنگاه که به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی کنند. (مرسلات ۴۸) پس به کدامین سخن بعد از این ایمان می آورند؟ (مرسلات/۵۰)

به قول حافظ فقط میگویم: (شرمسار از رخ ساقی و می رنگینم). و مگر نه این است که مردمان بازار و شهر قرانی رجالی اند که داد و ستد آنها را از ذکر خدا باز نمی دارد. (نور/۳۷)

چه تاسف دردناکی می بارد در این سروده جامی و البته با ارائه ی درمانی جانفزا:

ای شده رخنه صف طاعت ز تو	مانده تهی سلک جماعت ز تو
پنبه غفلت چو تو را بست گوش	سود نکردت ز مؤذن خروش
نغمه او خواب تو را کم نکرد	قامت او قد تو را خم نکرد
پنج نماز است به از پنج گنج	به که بدین پنج شوی گنج سنج
پنجه خود ساز بدین پنج سخت	پنجه ابلیس بدر لخت لخت
گر نکنی پنجه بدین رنجه اش	کی بودت طاقت سر پنجه اش
دین تو را نیست ستون جز نماز	بهر قیامش چو ستون قد فراز
تا که به معراج ترا ره شود	دست شیاطین ز تو کوتاه شود
زینت تو بس کمر بندگی	تاج تو در سجده سرافکنندگی
خیز تو و برگ تعبد بساز	جمع کن این چد عمل در نماز

پس می طلبد تا سردمداران این تجمعات با برکت الهی و دغدغه مندان این "جماعتی که دست خدا با آن است (میزان الحکمه ج ۱ حدیث ۲۴۳۷)" آسیب شناسی جدی تری نسبت به این کار اساسی که مشق هر روزه امام و امت است، روا بدارند.

نماز جماعت، گردهم آبی ارزشمند مومنانه و با عظمتی است که علاوه بر اینکه مطالبه قرآنی است با رکوع کنندگان رکوع کنید (بقره/۴۳) از ظرفیتهای بالا و فراوانی برای تکامل و تعالی برخوردار است که برای بهره وری تام و تمام از این سرچشمه ی فیاض باید گفت:

میخانه اگر ساقی صاحب نظری داشت میخواری و مستی ره و رسم دگری داشت

گویی خواجه ی شیراز در این غزل پر از درد و آه و شور و شیدایی جلوه ای از شکوه جماعت و نیز نقد حال من غفلت زده را سروده است:

در سرای مغان رفته بود و آب زده نشسته پیر و صلابی به شیخ و شاب زده
گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت ز جرعه بر رخ حور و پری گلاب زده
سلام کردم و با من به روی خندان گفت که ای خمارکش مفلس شراب زده
که این کند که تو کردی به ضعف همت و رأی ز گنج خانه شده خیمه بر خراب زده
وصال دولت بیدار ترسمت ندهند که خفته ای تو در آغوش بخت خواب زده
بیا به میکده تا بر تو عرضه کنم هزار صف زدعاهای مستجاب زده
تمامی مکرمتها و مضامین عالیه ای که در مجموعه احکام آمیخته با حکمت نماز جماعت
و جوانب سرشار از معرفت آن مطرح شده است، همگی در صف های به هم پیوسته و متحد
مومنان نمازگزار موج می زند و این خود خبر از اهمیت والای این اردوی آسمانی می دهد.

المئنئ الله که در میکده باز است زان رو که مرا بر در او روی نیاز است

شرح شکن زلف خم اندر خم جانان کوه نتوان کرد که این قصه دراز است (حافظ)

آری تعالی در نماز، قصه ای است دراز و پر از رمز و راز .

تعالی در نماز یعنی، پله پله تا ملاقات خدا (مثنوی مولوی)

یعنی: جا گرفتن در شاه نشین صدق آن پادشاه مقتدر (قمر/۵۵)

یعنی: به سوی پروردگارت رغبت کن (انشرح /۸)

یعنی: بندگی کن رب خود را تا هستی (حجر/۹۹)

یعنی: کمتر از ذره نه ای پست مشو مهربورز تا به خلوتگه خورشیدرسی رقص
کنان (حافظ)

یعنی: جناب عشق بلند است همتی حافظ که عاشقان ره بی همتان به خود ندهند

پس "حافظو اعلی الصلوات، پاسداری کنید از نمازها) (بقره /۲۳۸)" و حافظ چه زیبا با
تلویحی دلنشین از رکعات نماز تغزل نموده است: "فرصت عیش نگهدار و بزنجامی چند..."

که رستگاران حقیقی مومنینی هستند که نگاهبان نمازهای شانند (مومنون/۹ و ۱۰) و همانان
وارثان بهشتند و در آن جاویدانند (مومنون/۱۰ و ۱۱).

اینک این ما و این "شراب طهور" و تعالی بخش نماز، حی الصلاه.